

تحلیل جغرافیایی نمایندگی زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی

(دور اول تا نهم مجلس، ۱۳۵۸ - ۱۳۹۱)

زهرا پیشگاهی فرد*

وحید کیانی**

چکیده

به رغم جدیت ارزنده و تلاش و هم‌بستگی زنان برای حضور قدرت‌مند در صحنه‌های مدیریتی، اقتصادی و اداری، حضورشان در عالی‌ترین جای‌گاه قانون‌گذاری کشور، یعنی مجلس شورای اسلامی، طی سال‌های گذشته در فراز و نشیبی مبهم، روند نزولی داشته است. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به پویای جغرافیای نمایندگی زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی پرداخته است. نتایج و یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که سهم زنان از کرسی‌های مجلس شورای اسلامی در مناطق شهری بزرگ در مقایسه با مناطق شهری کوچک و روستاها بیش‌تر بوده است و هم‌چنین در حوزه‌های چندعضوی در مقایسه با حوزه‌های تک‌عضوی شانس بیش‌تری داشته‌اند. مقاله حاضر، علاوه بر آسیب‌شناسی این مسئله در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، به بعد جغرافیایی مسئله نیز پرداخته و مناطق طرف‌دار زنان را بر روی نقشه‌های جغرافیایی به تصویر کشیده است.

کلیدواژه‌ها: جغرافیای انتخابات، مشارکت سیاسی، نمایندگی زنان، مجلس شورای اسلامی، دموکراسی.

۱. مقدمه

جغرافیای انتخابات از شاخه‌های جغرافیای سیاسی است که بر محدوده‌های جغرافیایی به

* استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، sorour1334@yahoo.com

** دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران (نویسنده مؤول) kiani1363@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۲۴

منزله بستری برای انتخاب نمایندگان در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی متمرکز شده است. مرز این محدوده‌ها در ترکیب و کارکرد نهادهای سیاسی حکومت تأثیر قطعی دارد. محدوده‌های جغرافیای سیاسی و شناسه‌های مرتبط با دموکراسی نمایندگی در کانون توجه جغرافیای انتخابات قرار دارد (پیشگامی فرد، ۱۳۸۴: ۴). سنگ بنای انتخابات به مفهوم امروزی در انگلستان گذاشته شد و سلطنت زیر فشار اشراف و نجبا مجبور شد بخشی از قدرتش را به رعایا منتقل کند. با پذیرش نظریه نماینده‌سالاری و برقراری رژیم‌های پارلمانی و ظهور نظریه حاکمیت ملی در قرون هفدهم و هجدهم، انتخابات در شکل نهایی‌اش به شکل حقوقی و سیاسی استقرار یافت (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۳۴).

در ایران بعد از انقلاب مشروطه، مجلس شورای ملی ایجاد شد و نمایندگان مجلس از طرف مردم مناطق گوناگون انتخاب شدند و به مجلس راه یافتند. نهضت مشروطه نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای نهضت مشروطه اعطای حق تأثیرگذاری مردم در سرنوشت سیاسی خود به آن‌ها بود. هرچند این مهم در عمل آن‌گونه که باید تحقق نیافت، استقرار نظام پارلمانی پس از نهضت مشروطه در ایران به نوعی بیان‌گر این حرکت است. در ایران از زمان برگزاری نخستین دوره انتخابات مجلس شورای ملی تا مجلس نهم، ۳۳ مرتبه انتخابات پارلمانی برگزار شده است که به طور میانگین، در هر سه دوره انتخابات، تغییر و تحولاتی در حوزه‌های انتخاباتی رخ داده است. از پیروزی انقلاب اسلامی تا این تاریخ، یعنی پایان سال ۱۳۹۰، نیز ۹ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی برگزار شده است (وزارت کشور، گزارش انتخابات مجلس، ۱۳۹۰).

نقش زنان در دنیای امروز در مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و گسترش مشارکت همه جانبه آنان در سطوح و ابعاد گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به منزله یکی از معیارهای توسعه‌یافتگی کشورها ارزیابی می‌شود. مجلس شورای اسلامی یکی از قوای تصمیم‌سازی و ناظر بر اجرای قانون است که افزایش حضور زنان در آن به بهبود و ارتقای سطح کمی و کیفی قانون‌گذاری کشور منجر می‌شود. بر اساس قانون اساسی، همه مردم حق شرکت در انتخابات را دارند؛ چه زن و چه مرد. در ۹ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی منتهی به ۱۳۹۰، هرچند زنان نتوانسته‌اند کرسی‌های زیادی را در مجلس به دست آورند، فقدان محدودیت قانونی و حضور عملی‌شان، در هر ۹ دوره، حضورشان در مجلس را امری تثبیت‌شده می‌نمایاند، اما طبعاً در رقابت برای نامزد شدن و رأی آوردن مسیر همواری ندارند. در این مقاله، به تفصیل به تحلیل جغرافیایی حضور زنان در ۹ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی پرداخته شده است.

۲. مبانی نظری

جغرافیای انتخابات (electoral geography) از شاخه‌های مرتبط با جغرافیای سیاسی است که مطالعه درباره آن به قبل از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) بازمی‌گردد (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۷۴: ۴۳). طی پیدایش و اوج‌گیری پارادایم‌های گوناگون جغرافیایی، شیوه‌های تحقیقاتی‌اش نیز با تحول مواجه بوده است. در کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته از جمله ایران، به سبب نوپا بودن رشته جغرافیای سیاسی و هم‌چنین عمر نسبتاً کوتاه تشکلهای و مجالس قانون‌گذاری، مطالعه و بررسی جغرافیای انتخابات سابقه چندانی ندارد (پیشگاهی‌فرد، ۱۳۸۷). انتخابات، در حکم مهم‌ترین سازوکار مشارکت سیاسی مردم و هم‌چنین بستری برای رقابت تشکلهای و جناح‌های سیاسی، همواره در حیات سیاسی جامعه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی ایفا کرده است (شهبازی، ۱۳۸۰: ۱۳). انتخابات شامل مجموعه عملیات پیش‌بینی‌شده در قوانین یا آیین‌نامه‌های اجرایی کشورها در راستای گزینش فرمان‌روایان برای مهار قدرت است و احزاب به نظرهای پراکنده انتخاب‌کنندگان و در نهایت سامان‌دهی اهداف انتخابات کمک می‌کنند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۲۲۵).

انتخابات مجلس شورای اسلامی یکی از مهم‌ترین انتخابات در ایران است. دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی چهار سال است. انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود؛ به طوری که کشور در هیچ زمانی بدون مجلس نباشد (اصل ۶۳). تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی در حال حاضر ۲۹۰ نفر است و از تاریخ همه‌پرسی ۱۳۶۸، پس از هر ده سال با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آن، حداکثر ۲۰ نفر نماینده می‌تواند اضافه شود (اصل ۶۴)، اما آنچه ما را بر آن داشت که به بررسی انتخابات مجلس با رویکرد جنسیتی بپردازیم، حضور کم‌رنگ زنان در این نهاد قانون‌گذاری بوده است. همان‌طور که در بخش‌های بالا نیز اشاره شده است، زنان جامعه ایران در تمامی عرصه‌های فرهنگی، علمی و اقتصادی از رشد درخور توجهی در سال‌های اخیر برخوردار شده‌اند، اما در عرصه سیاسی، به‌ویژه در رده‌های بالای مدیریتی، هم‌چون نمایندگی مجلس حضور فعال نداشته‌اند. مقاله حاضر درصدد است با پویش ۹ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در جمهوری اسلامی ایران، ضمن تحلیل جغرافیایی نمایندگی زنان، به چرایی و دلایل حضور کم‌رنگشان در این عرصه بپردازد. از این رو، قبل از بررسی ابعاد موضوع، نخست مبانی نظری تحقیق، که اساس تحلیل ما را در ادامه شکل خواهد داد، مطرح می‌شود.

مفهوم دموکراسی به اشکال گوناگون تبلور می‌یابد و انگاره‌های بصری متعددی ایجاد می‌کند، اما بسیاری از مردم برای رسیدن به تعریفی جامع از آن به تعبیر فرهنگ انگلیسی آکسفورد رجوع می‌کنند. بر اساس این تعریف، دموکراسی «حکومت به‌وسیلهٔ مردم است، چه به صورت مستقیم و یا از طریق نمایندگان» (فرهنگ آکسفورد، ۲۰۱۲). شیوهٔ غالب در بیش‌تر کشورها و جوامع آن است که نمایندگان منتخب به ادارهٔ امور می‌پردازند و به بیانی دیگر، حکومت به شکل نمایندگی است. در جمهوری اسلامی ایران نیز، طبق مادهٔ ۷ قانون انتخابات مجلس، انتخابات به صورت مستقیم و عمومی و با رأی مخفی خواهد بود (مادهٔ ۷) (قانون انتخابات مجلس، وزارت کشور، ۱۳۹۰). ماهیت بحث نمایندگی همواره یکی از موضوع‌های بسیار جدی بحث‌شده در میان متفکران فلسفهٔ سیاسی بوده است (برک، ۱۹۷۱). بر این مبنای، نماینده در نقش فرستاده یا وکیل در نظر گرفته می‌شود که بر اساس دستورها و رهنمودهای افرادی عمل می‌کند که او را برگزیده‌اند (تایلور و جانستون، ۱۳۸۶: ۱۶)، اما برای انتخاب و برگزیده شدن نمایندگان برای راه‌یابی به پارلمان از طیف گسترده‌ای از روش‌های متعدد در راستای برگزاری انتخابات بهره‌برداری می‌شود. این سیستم با توجه به سه مؤلفهٔ متمایزکننده دسته‌بندی شده است: ۱. تعداد آرای که فرد رأی‌دهنده از آن‌ها بهره‌مند است؛ ۲. چگونگی تخصیص و توزیع آرا؛ ۳. تعداد نمایندگانی که برای هر ناحیهٔ انتخاباتی باید برگزیده شوند. بر اساس این سه مؤلفه، سه سیستم انتخاباتی گوناگون بازشناسی می‌شوند: ۱. سیستمی که بر اکثریت نسبی آرا پایه‌گذاری شده است؛ ۲. سیستمی که بر گزینش میان فهرست‌های مختلف حزبی مبتنی است؛ ۳. سیستمی که بر اظهار آرا و گرایش‌های متفاوت و متنوع تأکید می‌کند. از آن‌جا که قوانین انتخابات پارلمانی در ایران بر مبنای سیستم اکثریت نسبی تعریف شده است، در ادامه به تشریح این سیستم می‌پردازیم:

سیستم اکثریت نسبی در انتخابات پارلمانی ایران بر دو نوع است: ۱. سیستم اکثریت نسبی در حوزه‌های تک‌عضوی؛ ۲. سیستم اکثریت نسبی چندنماینده‌ای.

۱. سیستم تک‌عضوی، چه برای فرد رأی‌دهنده و چه برای کسانی که اقدام به شمارش آرا می‌کنند، بسیار ساده است. البته به باور برخی، سهولت اجرای این سیستم برای فرد رأی‌دهنده مشکل‌ساز خواهد بود؛ زیرا در فضایی که شاید از تأثیرات و عوامل تأثیرگذار متعدد آکنده است باید اقدام به گزینش یک فرد کند. فهرستی از کاندیداهای گوناگون ارائه می‌شود و فرد رأی‌دهنده باید، با یک انتخاب، فرد منتخبش را مشخص کند و کاندیدایی که بیش‌ترین آرا را به خود اختصاص می‌دهد در مقام فرد پیروز معرفی می‌شود (تایلور و

جانستون، ۱۳۸۶: ۲۲). در انتخابات پارلمانی در ایران، طبق ماده ۸ قانون انتخابات، انتخاب نماینده در مرحله اول منوط به کسب اکثریت حداقل یک‌چهارم کل رأی و در مرحله دوم و هم‌چنین انتخابات میان‌دوره‌ای با کسب اکثریت نسبی به هر میزان است (ماده ۸، قانون انتخابات مجلس، وزارت کشور، ۱۳۹۰). در ضمن بیش‌تر حوزه‌های انتخابیه مجلس در ایران به صورت تک‌عضوی است.

۲. سیستم اکثریت نسبی چندنماینده‌ای: در برخی از سیستم‌های اکثریت نسبی، باید بیش از یک نماینده برای حوزه برگزیده شود؛ برای مثال، اگر قرار باشد ۵ نماینده انتخاب شود، در این صورت ۵ فرد پیروز در فهرست رتبه‌بندی، ۵ نفر اول، کاندیداهایی‌اند که بیش‌ترین آرا را به خود اختصاص داده‌اند (همان، ۱۳۸۶: ۲۳). در جمهوری اسلامی ایران در حوزه انتخابیه تهران و برخی از مراکز استان‌ها از سیستم مذکور استفاده می‌شود. به عبارت دیگر، این مراکز شامل حوزه‌های انتخابیه چند عضوی‌اند.

هدف از بیان روند انتخابات مجلس در ایران و انواع دستگاه‌های اخذ رأی در آن بیان این نکته است که در ادامه به این فرضیه دست یابیم که به نظر می‌رسد شانس زنان در نقش کاندیدای نمایندگی مجلس در حوزه‌های چندعضوی بیش‌تر از حوزه‌های تک‌عضوی است؛ البته در ادامه با تفصیل بیش‌تری به دلایل جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این گفته می‌پردازیم، اما قبل از ورود به بحث، رویکردها، دیدگاه‌ها و نظریه‌های گوناگون درباره مشارکت سیاسی زنان را بررسی می‌کنیم.

جامعه ما ریشه در یک سلسله باورها، ارزش‌ها و احساسات دارد که این امور، تحت تأثیر تحولات سیاسی - اجتماعی دچار تغییر می‌شوند. با توجه به این امر، وقوع انقلاب اسلامی موجب تجدید نظر در دیدگاه‌ها و سمت‌گیری‌های مردم درباره نظام سیاسی و سیاست شد. در این راستا، در این تحقیق کوشیده‌ایم، با پویش ۹ دوره حضور زنان در انتخابات نمایندگی مجلس شورای اسلامی، به نقش، جای‌گاه و وضعیت زنان در امر تصمیم‌سازی و قانون‌گذاری کشور بپردازیم. در مجموع، با پیروزی انقلاب اسلامی مردم از لحاظ روحی و روانی به این باور رسیدند که می‌توانند در امر سیاست مؤثر باشند. با توجه به این تغییرات، فرایند مشارکت در ایران در یک دوره گذار از مشارکت منفعل به مشارکت فعال منتقل شده است؛ بنابراین، باید با نهادینه کردن مشارکت سیاسی و گسترش فرهنگ سیاسی مشارکت‌جویانه زنان و مردان، به‌ویژه در سطوح کلان مدیریتی کشور، نیز کوشش کنیم. شواهد نشان می‌دهد که مشارکت زنان در امور سیاسی امری کارکردی و لازم است. جامعه امروز به خدمات زنان در عرصه سیاسی - اجتماعی نیاز مبرم دارد. اگر حق انتخاب

کردن، انتخاب شدن و داشتن منصب، برای حیات سیاسی در فضایی مدنی حق ضروری است، پس این حقوق برای زنان نیز متصور است، اما به نظر می‌رسد آنچه مانع مشارکت آنان می‌شود باورهای قالبی مردان و زنان، عرف، سنت‌ها و آداب و رسوم فرهنگی و اجتماعی ایرانیان است (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۷۰۳). به باور سیمون:

این طبیعت زنان نیست که محدودیت‌هایی را در نقش آنان موجب شده است، بلکه آن نقش‌ها زائیدهٔ مجموعه‌ای از پیش‌داوری‌ها، سنت‌ها و قوانین کهن‌اند که زنان نیز در پیدایش آن سهیم بوده‌اند (آندره، ۱۳۷۲: ۱۱۵).

برای سنجش مشارکت سیاسی شاخص‌های متعددی ارائه شده است: راش، پیرو تعریفی که از مشارکت سیاسی ارائه می‌دهد، رأی دادن در انتخابات را پایین‌ترین سطح مشارکت واقعی و داشتن مقامات رسمی را بالاترین سطح از مشارکت سیاسی ارزیابی می‌کند و سلسله‌مراتبی از مشارکت سیاسی را ارائه می‌دهد؛ البته ممکن است اهمیت سطوح مختلف برای نظام‌های گوناگون متفاوت باشد. این رتبه‌بندی از بالا به پایین به این ترتیب است: ۱. داشتن مقام سیاسی یا اجرایی؛ ۲. جست‌وجوی مقام سیاسی یا اجرایی؛ ۳. عضویت فعال در سازمانی سیاسی؛ ۴. عضویت فعال در سازمانی شبه‌سیاسی؛ ۵. مشارکت در اجتماعات عمومی؛ ۶. عضویت انفعالی در سازمانی سیاسی؛ ۷. مشارکت در بحث‌های سیاسی غیررسمی؛ ۷. اندکی علاقه به سیاست؛ ۸. رأی دادن؛ ۹. درگیری نداشتن در سیاست (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۶). در این مقاله، تقسیم‌بندی راش محور توجه قرار داده شده و تلاش شده است که مشارکت سیاسی زنان در سطح داشتن مقام سیاسی یا اجرایی با تأکید بر حضور در قوهٔ مقننه از نظر جغرافیایی ارزیابی و تحلیل شود. نظریه‌ها و دیدگاه‌های گوناگونی به مسئله مشارکت زنان در امور سیاسی پرداخته‌اند که در زیر چهار دیدگاه که با جامعهٔ ایران و هم‌چنین رویکرد تحلیلی مقاله هم‌خوانی بیش‌تری داشته‌اند تشریح شده است.

۱. نظریهٔ جامعه‌پذیری: این نظریه تفاوت‌های موجود در رفتار و باورهای سیاسی زنان و مردان را بر اساس رفتار و عادات سیاسی‌شان تبیین می‌کند (اورام، ۱۹۷۴: ۱۹۸). جامعه‌پذیری سیاسی فرایندی است که به موجب آن، افراد نگرش‌های سیاسی را فرامی‌گیرند و الگوهای رفتار سیاسی را توسعه می‌دهند. خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی کارگزاران اصلی جامعه‌پذیری‌اند که به پسران و دختران جامعه انتقال می‌یابند. این کارگزاران در تفکر و رفتار سیاسی افراد تأثیر می‌گذارند (ملکی، ۱۳۸۴: ۲۳۰). به باور زنان، سیاست فعالیتی مردانه است. زنان در نقش همسری و مادری جامعه‌پذیر شده‌اند و

این دیدگاه در کاهش رفتار سیاسی زنان و ایجاد شکاف در مدیریت سیاسی به نفع مردان تأثیر داشته است (ولج، ۱۹۷۸: ۳۷۲).

۲. دیدگاه ساختی: این دیدگاه تأکید می‌کند که زنان در بزرگ‌سالی موانع ساختی را در فعالیت سیاسی تجربه می‌کنند. تفاوت‌های جنسی در امور سیاسی در دوره کودکی بروز نمی‌کند، بلکه تفاوت وقتی ظاهر می‌شود که مجموعه نقش زن در خانواده تغییر می‌یابد (هیوم، ۱۹۷۸: ۵۳).

۳. دیدگاه وضعیتی: به بیان این دیدگاه، از آن‌جا که زنان در امور خانه و خانواده درگیر شده‌اند، برای فعالیت سیاسی فرصت کم‌تری دارند یا به سبب تجربه اندک سیاسی، کم‌تر به آن توجه نشان می‌دهند. زنان به سبب تأکید جامعه بر حفظ و نگه‌داری کیان خانواده با فعالیت سیاسی ارتباط کم‌تری دارند که اساساً امری بیرونی است (لیپست، ۱۹۸۴: ۱۲۳).

۴. دیدگاه کارکردی: این دیدگاه کارکرد زنان را به امور خانوادگی محدود دانسته، بر این باور است که واگذاری نقش اقتصادی و سیاسی به زنان سبب تخریب کارکردهای کنونی جامعه می‌شود (شرمن وود، ۱۳۶۹: ۱۳۴). به باور پاسونز، زنان در خانواده نقش عاطفی ایفا می‌کنند و از آن‌جا که آزادی زنان به آشفتگی جامعه منجر می‌شود، کارکردی ندارند (پارسونز، ۱۹۵۱: ۱۶۹).

۳. بیان مسئله

زنان در گام‌های گوناگون شکل‌گیری و نهادینه شدن روند انقلاب اسلامی نقش فعال و سازنده‌ای داشته‌اند، اما آن‌چنان که شایسته است هم‌چنان از سهمی متناسب و هم‌خوان با کارویژه‌هایشان در ساختار قدرت اجتماعی برخوردار نشده‌اند و در مواضع تصمیم‌گیری و مناصب قدرت جمعی، حضوری کم‌رنگ دارند (خلیلی، ۱۳۸۶: ۱۶۵). مشارکت سیاسی بانوان و حضورشان در عرصه‌های تصمیم‌گیری حکومتی برای سایر عرصه‌های مشارکت‌جویانه پشتوانه‌ای مناسب تلقی می‌شود. مشارکت سیاسی در دو سطح توده (مانند شرکت در انتخابات، احزاب، انجمن‌ها و تجربه‌های اجتماعی و نخبگان)، حضور در مجلس، قوه مجریه و داشتن مناصب عالی معنا می‌یابد (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳: ۲۱۷)، اما وقتی از جای‌گاه زن، در فرایند مشارکت، رأی‌دهندگان سربه‌راهی تلقی شود که قرار است فقط روز رأی‌گیری پای صندوق‌ها باشند (حافظیان، ۱۳۸۳: ۲۰۲)، سبب‌ساز بحران یا آسیب اجتماعی در جامعه می‌شود که نمودش را در حال حاضر در انتخابات نمایندگان

مجلس و تعداد بسیار پایین زنان در مقام نماینده مشاهده می‌کنیم. از این رو، آسیب‌شناسی دلایل کاهش تعداد نمایندگان زن در مجلس شورای اسلامی یکی از دغدغه‌های مقاله حاضر است.

۴. روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی است و با روش توصیفی - تحلیلی به پویش ۹ دوره نمایندگی زنان در انتخابات مجلس پرداخته است. داده‌ها و اطلاعات لازم به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند.

۵. یافته‌های تحقیق

۱.۵ کرسی‌های مجلس شورای اسلامی به تفکیک مرد و زن

همان‌طور که در جدول و نمودار ۱ مشاهده می‌شود، سهم زنان از کرسی‌های مجلس در مقایسه با مردان بسیار پایین است. در طول ۹ دوره انتخابات مجلس در ایران، بیش‌ترین سهم زنان در به دست آوردن کرسی‌های مجلس مربوط به مجلس پنجم است که ۱۴ نماینده زن با ۵/۶ درصد را شامل شده است و کم‌ترین سهم نیز با ۱/۵ درصد به دوره‌های اول تا سوم مجلس برمی‌گردد. با نگاه به تعداد کرسی‌های مجلس که از مجلس اول تا پنجم ۲۷۰ نفر و از مجلس ششم تا نهم به ۲۹۰ نفر افزایش یافته است و سهم زنان از این کرسی‌ها به خوبی به نقش کم‌رنگ زنان در مجلس شورای اسلامی پی می‌بریم. بیش‌ترین آمار مربوط به زنان در نمایندگی مجلس ۱۴ نفر است که در مجلس پنجم رقم خورده است و این تعداد در برابر ۲۵۶ نماینده مرد است. در مجموع، در طول ۹ دوره انتخابات، مجلس شورای اسلامی فقط ۷۸ نماینده زن داشته است. این در حالی است که تعداد کل نمایندگان مجلس، تا دوره نهم، ۲۶۹۰ نفر بوده و ۷۸ نفر در مقابل این عدد بسیار ناچیز است؛ بنابراین، برای آسیب‌شناسی حضور نداشتن زنان در مجلس نیاز به بررسی‌های عمیق‌تری دارد. ما در این مقاله کوشیده‌ایم زوایای جغرافیایی این حضور نداشتن و راه کارهای برون‌رفت از مشکل را بررسی کنیم. به همین دلیل، در ادامه به بررسی این نکته خواهیم پرداخت که اصولاً زنان در چه حوزه‌هایی و در چه مکان‌های جغرافیایی‌ای برای به دست آوردن کرسی‌های مجلس شانس بیش‌تری دارند و سپس به این نکته خواهیم پرداخت که چه دلایل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی‌ای در این زمینه تأثیرگذارند.

جدول ۱. کرسی‌های مجلس شورای اسلامی در دوره‌های اول تا نهم به تفکیک مرد و زن

دوره‌ها	تعداد کرسی‌ها	نمایندگان مرد	نمایندگان زن	درصد زنان
دوره اول ۱۳۵۹	۲۷۰	۲۶۶	۴	۱/۵
دوره دوم ۱۳۶۳	۲۷۰	۲۶۶	۴	۱/۵
دوره سوم ۱۳۶۷	۲۷۰	۲۶۶	۴	۱/۵
دوره چهارم ۱۳۷۱	۲۷۰	۲۵۲	۹	۳/۵
دوره پنجم ۱۳۷۵	۲۷۰	۲۵۶	۱۴	۵/۶
دوره ششم ۱۳۷۹	۲۹۰	۲۷۷	۱۳	۴/۱
دوره هفتم ۱۳۸۳	۲۹۰	۲۷۷	۱۳	۴/۱
دوره هشتم ۱۳۸۷	۲۹۰	۲۸۲	۸	۲/۵
دوره نهم ۱۳۹۱	۲۹۰	۲۸۱	۹	۳/۱

منبع: ستاد انتخابات کشور، ۱۳۹۰.

نمودار ۱. مقایسه تعداد نمایندگان زن در ۹ دوره مجلس شورای اسلامی



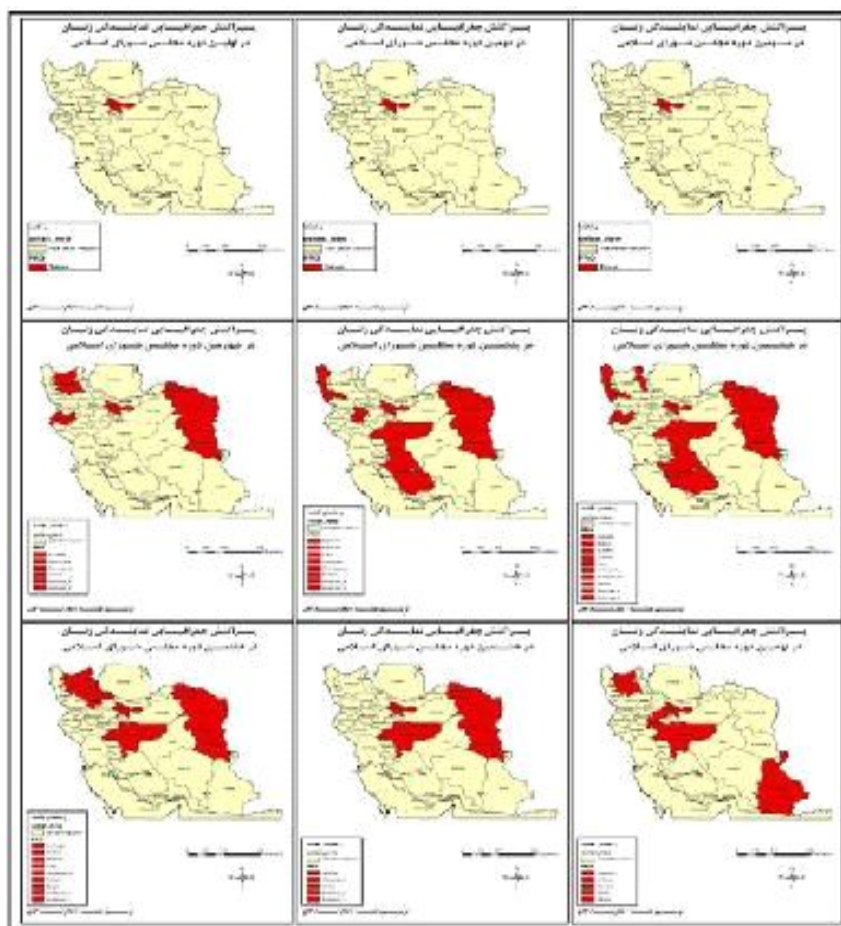
منبع: نگارندگان (بر اساس داده‌های ستاد انتخابات کشور)

۲.۵ شانس بیش‌تر زنان برای به دست آوردن کرسی‌های مجلس در حوزه‌های چندعضوی

با نگاهی به آمارهای به دست آمده در طول ۹ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی و هم‌چنین با نگاه به نقشه‌های ۱ و ۲، مشاهده می‌شود که موفقیت زنان برای به دست آوردن کرسی‌های مجلس در حوزه‌های چندعضوی در مقایسه با حوزه‌های تک‌عضوی بیش‌تر

است. همان‌طور که در نقشه‌های ۱ و ۲ مشاهده می‌شود، در دوره اول تا سوم مجلس شورای اسلامی زنان فقط در حوزه انتخابیه تهران در کسب نمایندگی موفق شده بودند. در هر سه دوره مذکور، ۴ زن به مجلس راه یافته بودند. حوزه انتخابی تهران جزء حوزه‌های چندعضوی است. در دوره چهارم نیز حوزه‌های انتخابی تهران، تبریز، مشهد و کرمانشاه نمایندگان زن به مجلس فرستاده بودند که همگی این حوزه‌ها جزء حوزه‌های چندعضوی اند. این روند در دوره پنجم نیز تکرار شده است و، در میان حوزه‌های انتخابیه، شهرستان لار تنها حوزه تک‌عضوی بوده است که نماینده زن موفق به کسب کرسی نمایندگی شده بود و در حوزه‌های تهران، اصفهان، مشهد، همدان و ارومیه، که جزء حوزه‌های چندعضوی اند، نمایندگان زن در مقام یکی از نامزدها انتخاب شده بودند. در انتخابات مجلس ششم، تعداد حوزه‌های تک‌عضوی که زنان موفق به کسب کرسی نمایندگی شده بودند به ۳ مورد رسیده بود که شامل حوزه‌های خلخال، اسلام‌آباد غرب و دشتستان بوده است و بقیه نمایندگان از حوزه‌های چندعضوی تهران، اصفهان، شیراز، مشهد و ارومیه انتخاب شده بودند. در مجلس هفتم، دوباره فقط در حوزه تک‌عضوی خلخال نماینده زن انتخاب شده بود و سایر نمایندگان زن در حوزه‌های چندعضوی تهران، اصفهان، مشهد، کرج، زنجان، رشت و تبریز انتخاب شده بودند. در مجلس هشتم زنان فقط در حوزه‌های چندعضوی تهران، اصفهان، مشهد و کرج به مجلس راه یافته بودند. در انتخابات مجلس نهم، زنان در حوزه‌های تک‌عضوی سمیرم، ساوه و زرنديه و سراب و مهربان موفق شدند به مجلس راه یابند و سایر کاندیداها از حوزه‌های چندعضوی تهران، اصفهان، زابل و زهک بودند. در مجموع، در طول ۹ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران، ۷۸ نماینده زن وارد مجلس شده بودند که از این تعداد فقط ۸ نفر از حوزه‌های تک‌عضوی به نمایندگی مجلس انتخاب شده بودند و این در حالی است که ۷۰ نفر از حوزه‌های چندعضوی به مجلس شورای اسلامی راه یافته بودند. بنابراین، بر اساس یافته‌های تحقیق و بررسی و تبیین آمارهای ۹ دوره انتخابات مجلس در ایران گفتنی است شانس موفقیت زنان برای به دست آوردن کرسی‌های مجلس در حوزه‌های چندعضوی بیش‌تر از حوزه‌های تک‌عضوی است. همچنین، هرچه تعداد کرسی نمایندگی در حوزه‌های چندعضوی بیش‌تر باشد، شانس زنان برای موفقیت بیش‌تر است. برای مثال، حوزه تهران، به علت داشتن ۳۰ کرسی نمایندگی، بیش‌ترین آمار زنان در حوزه‌های انتخابیه ایران را به خود اختصاص داده است و همین‌طور حوزه‌های انتخابیه اصفهان، تبریز و مشهد که در مرتبه بعدی قرار دارند. بنابراین، در حوزه‌های چندعضوی نیز شانس زنان در حوزه‌هایی که تعداد کرسی بیش‌تری

برای نمایندگی دارند بیش تر است و در حوزه‌های مثلاً دوعضوی در مقایسه با حوزه‌های پنج، شش یا ۳۰ عضوی شانس کم‌تری دارند.



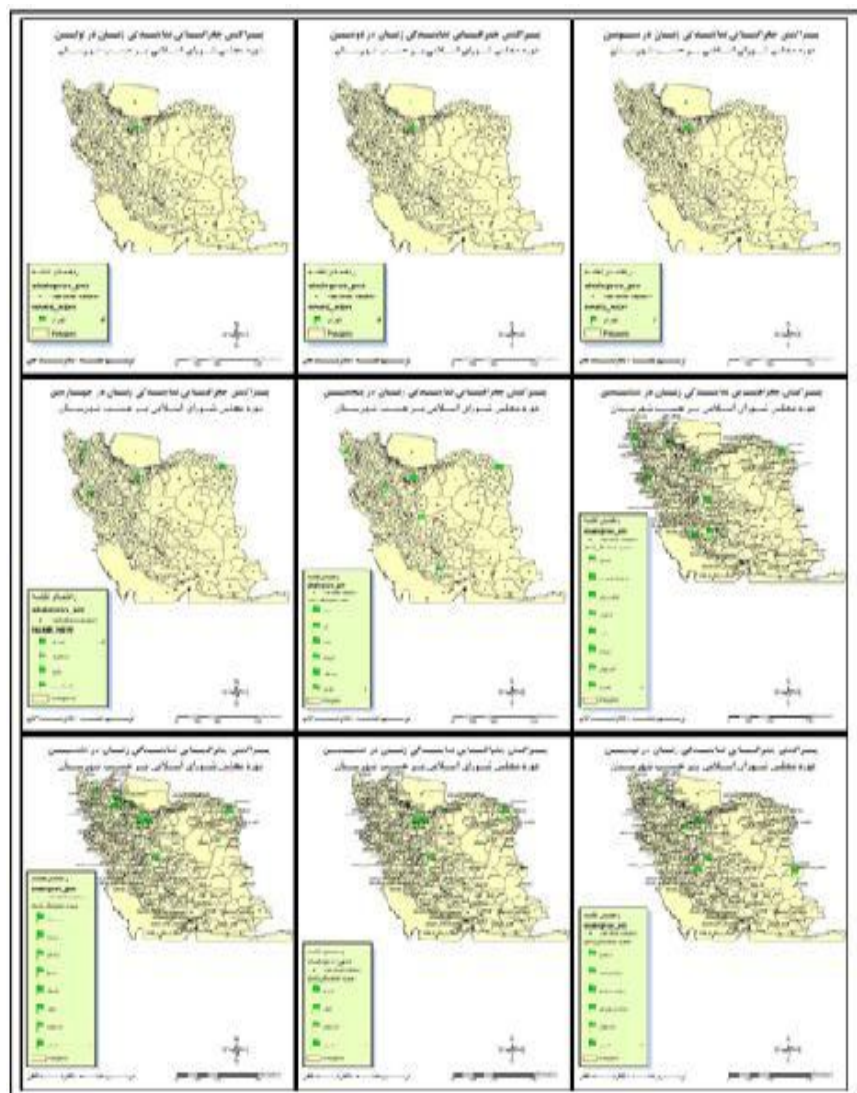
نقشه ۱. پراکنش جغرافیایی نمایندگی زنان بر حسب استان‌ها
منبع: نگارندگان

۳.۵ شانس بیش‌تر زنان برای به دست آوردن کرسی‌های مجلس در شهرهای بزرگ همان‌طور که نقشه‌های ۱ و ۲ و هم‌چنین آمارهای به دست آمده از پویش ۹ دوره انتخابات مجلس در ایران نشان می‌دهد، شانس زنان برای به دست آوردن کرسی‌های مجلس در

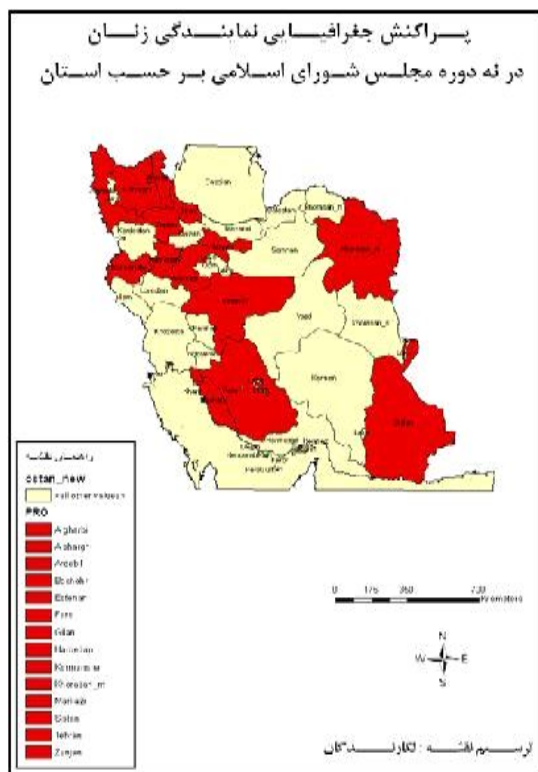
مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ بیش‌تر از شهرستان‌های کوچک است. حضور زنان در سه دوره اول مجلس فقط در حوزه انتخابیه تهران بوده است که هم نقش پایتخت کشور و هم نقش مرکز استان تهران را بازی می‌کند. هم‌چنین، در دوره چهارم مجلس نیز زنان از حوزه‌های انتخابیه تهران، تبریز، مشهد و کرمانشاه به مجلس راه یافتند که هر چهار شهر جزء مراکز استان است. در مجلس پنجم نیز زنان در حوزه‌های انتخابیه تهران، اصفهان، مشهد، همدان، ارومیه و لار به مجلس راه یافتند که در این میان، فقط شهرستان لار جزء مراکز استان نبود. در انتخابات مجلس ششم، از نظر پراکندگی جغرافیایی نمایندگی زنان، چه در عرصه تک‌عضوی و چندعضوی و چه در عرصه مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها، در مقایسه با دوره‌های دیگر مجلس پراکنش بیش‌تری داشت؛ به طوری که زنان توانستند در حوزه‌های انتخاباتی خلخال، اسلام‌آباد غرب و دشتستان به مجلس راه یابند. با این حال، فقط ۳ نماینده زن از این طریق وارد مجلس شدند و ۱۰ نماینده دیگر در حوزه انتخابیه مراکز استان‌ها شامل تهران، اصفهان، شیراز، مشهد و ارومیه وارد مجلس شدند. در مجلس هفتم، دوباره روند انتخاب زنان در حوزه انتخابیه مراکز استان‌ها تقویت شد؛ به طوری که فقط در حوزه انتخابیه خلخال و کرج، که جزء مراکز استان به شمار نمی‌روند، ۱ نماینده زن به مجلس راه یافت و بقیه از حوزه‌های مراکز استانی تهران، اصفهان، مشهد، زنجان، رشت و تبریز بودند. این روند در مجلس هشتم ادامه یافت؛ به طوری که سه حوزه شامل تهران، اصفهان و مشهد بود و فقط کرج در این میان این نقش را بر عهده نداشت. در انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی، این روند کمی تغییر کرد و فقط حوزه‌های انتخابیه تهران و اصفهان در حکم مراکز استان در مجلس نماینده زن داشتند و ۴ نماینده زن دیگر در حوزه‌های انتخابیه سراب و مهربان، زابل و زهک، سمیرم و ساوه و زرنديه وارد مجلس شدند. در نهایت از مجموع ۹ دوره انتخابات مجلس، که ۷۸ زن موفق به کسب کرسی‌های مجلس شدند، ۱۱ نماینده زن در حوزه‌های شهرستانی کوچک و ۶۷ نماینده زن در حوزه‌های مراکز استان‌ها به مجلس راه یافتند. بنابراین، شانس زنان برای به دست آوردن کرسی‌های مجلس در حوزه‌های انتخابی مراکز استان‌ها و شهرهای بزرگ در مقایسه با شهرستان‌های کوچک بیش‌تر است.

با توجه به این‌که تعداد شهرستان‌های کشور از ۳۳۶ شهرستان در ۱۳۸۵ به ۳۸۴ شهرستان در ۱۳۸۹ رسیده است و در مجموع ۴۸ شهرستان افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۱) و هم‌چنین وجود ۲۰۷ حوزه انتخابیه در ۳۸۴ شهرستان کشور برای به دست آوردن ۲۹۰ کرسی نمایندگی در نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی (ستاد انتخابات کشور، ۱۳۹۰)،

فقط ۹ زن در ۶ حوزه انتخابیه از ۲۰۷ حوزه انتخابیه و ۱۱ شهرستان از ۳۸۴ شهرستان موجود در کشور به مجلس راه یافتند و هم‌چنان سهم ناچیزی در قوه قانون‌گذاری کشور بر عهده دارند. ما در ادامه به بررسی دلایل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این مسئله خواهیم پرداخت.



نقشه ۲. پراکنش جغرافیایی نمایندگی زنان بر حسب شهرستان‌ها
منبع: نگارندگان



نقشه ۳. پراکنش جغرافیایی نمایندگی زنان در ۹ دوره مجلس شورای اسلامی
منبع: نگارندگان

۶. درک جغرافیای سیاسی موفقیت زنان

برای کشف تأثیرات جغرافیای سیاسی در موفقیت زنان سه مورد از ویژگی‌های جمعیتی را بررسی می‌کنیم: ۱. عوامل جغرافیایی؛ ۲. نژاد و قومیت؛ ۳. عوامل اجتماعی و اقتصادی.

۱.۶ مناطق طرفدار زنان در ایران

در نقشه ۳ پراکنش جغرافیایی نمایندگی زنان در طول ۹ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی نشان داده شده است. همان‌طور که در نقشه مشاهده می‌شود، در برخی استان‌های کشور هنوز هیچ نماینده زنی به مجلس راه نیافته است. استان‌هایی مثل مازندران، گلستان،

کرمان، یزد، بندرعباس، خوزستان، لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال بختیاری، کردستان، ایلام، قزوین، قم، سمنان، خراسان شمالی و خراسان جنوبی جزء استان‌هایی اند که تا به حال هیچ نماینده‌ی زنی در مجلس نداشته‌اند. در حقیقت، از ۳۱ استان موجود در کشور، ۱۶ استان در طول ۹ دوره فاقد نماینده‌ی زن در مجلس بوده‌اند؛ یعنی بیش از نیمی از استان‌های کشور؛ اما در استان‌هایی که زنان موفق به راه‌یابی به مجلس شده‌اند نیز استان‌های تهران، اصفهان، خراسان رضوی و آذربایجان شرقی در بیش‌تر دوره‌ها نماینده‌ی زن داشته‌اند. در این میان، سهم استان تهران به‌تنهایی ۴۷ نماینده بوده است. این در حالی است که تعداد کل نماینده‌های زن مجلس در طول ۹ دوره به ۷۸ نفر می‌رسد؛ یعنی استان تهران به‌تنهایی بیش از نیمی از نمایندگان زن مجلس را به خود اختصاص داده است. در مرتبه بعد نیز استان‌های اصفهان، مشهد و تبریز قرار دارند.

از طرف دیگر، بر اساس آمارهای موجود و یافته‌های تحقیق، به نظر می‌رسد احتمال انتخاب شدن زنان در انتخابات مجلس در ایران در شهرهای بزرگ بیش‌تر از شهرهای متوسط و کوچک و مناطق روستایی است. موفقیت بیش‌تر زنان در حوزه‌های انتخابیه تهران، اصفهان، مشهد، تبریز، کرمانشاه، همدان، ارومیه، رشت و ... گویای تصدیق این ادعاست. این امر به شرایط فرهنگی و اجتماعی این مکان‌ها برمی‌گردد که در بخش جداگانه‌ای به آن خواهیم پرداخت.

با نگاهی به پراکنندگی جغرافیایی نمایندگی زنان در نقشه ۳ و راه‌یابی زنان از قومیت‌های گوناگون به مجلس، به نظر می‌رسد نقش قومیت و تنوع قومی در میزان موفقیت زنان برای به دست آوردن کرسی مجلس و موفقیت در انتخابات ناچیز باشد. حضور نماینده‌هایی از تبریز، کرمانشاه، ارومیه، مشهد، زابل و سایر مکان‌ها به‌خوبی حاکی از تأیید این نکته است؛ بنابراین، نقش قومیت در حضور زنان در مجلس بسیار ناچیز است. افزایش بی‌واسطه نمایندگان زن مجلس اثرگذاری آنان بر روندهای تقنینی و نظارت پارلمانی را نیز افزایش می‌دهد؛ برای مثال، آنان می‌توانند در کمیسیون‌ها یا گروه‌های دوستی پارلمانی سهم بیش‌تری داشته باشند. یکی از دلایل پایین بودن تعداد نمایندگان زن این است که سابقه تصدی پست‌های اجرایی کاندیداهای زن پایین بوده است. به همین دلیل، حوزه‌های انتخابیه از پیشینه و عملکرد نامزدهای زن مجلس شناخت کافی ندارند. یکی دیگر از دلایل پایین بودن تعداد زنان نماینده این است که تعداد داوطلبان زن برای حضور در رقابت‌های انتخاباتی مجلس پایین بوده است. این امر سبب می‌شود نامزدهای زن مجلس سلیق کم‌تری از رأی‌دهندگان را پوشش دهند.

۲.۶ عوامل جغرافیایی

پالمر و سیمون (۱۳۸۹) در شکستن سقف شیشه‌ای سیاست درباره نقش عوامل جغرافیایی در موفقیت زنان در انتخابات امریکا بیان کرده‌اند: «وسعت مناطق در موفقیت کاندیداهای زن تأثیرگذار است». به باور آنان، نمایندگی در مناطق وسیع برای موفقیت زنان دشوارتر است و دلایل این امر را در این می‌دانند که رأی‌دهندگان در مناطق وسیعی پراکنده‌اند و زمان زیادی لازم است که میان آنان ارتباط برقرار شود و این موضوع یکی از مشکلات اساسی کاندیداهای زن است (پالمر و سیمون، ۲۰۰۶: ۲۰۵)، اما نتایج آمارها و یافته‌های تحقیق که از ۹ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در ایران به دست آمده است درست برعکس گفته بالا را نشان می‌دهد؛ یعنی در انتخابات مجلس در ایران شانس موفقیت زنان در شهرهای بزرگ و مراکز استان‌ها بیشتر از مناطق روستایی و شهرهای کوچک بوده است. یکی از یافته‌های تحقیق حاضر این است که احتمال بیشتری دارد که نمایندگان زن مجلس به نمایندگی شهرهای بزرگ برگزیده شوند؛ زیرا شهرهای بزرگ در مقایسه با نواحی شهری کوچک و روستایی منبع زنان فعالی است که ظرفیت بسیاری برای کاندیدا شدن دارند. همچنین، شهرهای بزرگ ایران کرسی‌های بیشتری نیز دارند (چندعضوی)؛ بنابراین، برای شرکت در انتخابات در مناطق پرجمعیت فرصت‌های بیشتری دارند. به همین دلیل در بیشتر دوره‌های انتخابات مجلس در ایران زنان نماینده از مراکز شهرهای بزرگ به فعالیت پرداخته و از همین حوزه‌ها به مجلس راه یافته‌اند؛ زیرا این حوزه‌های انتخاباتی برای پذیرش افکار و عقایدی که به مسائل رفاه اجتماعی و مسائل زنان می‌پردازند آمادگی بیشتری دارند. بنابراین، مسلم است که وسعت مناطق و شهرنشینی با یکدیگر در ارتباط‌اند و انتظار می‌رود که زنان برای پیروزی در مناطقی که نسبت بالایی از جمعیتش در مناطق شهری زندگی می‌کنند شانس بیشتری داشته باشند.

۳.۶ نژاد و قومیت

هنوز مطالعه و پژوهش خاصی که به تأثیر نژاد و قومیت در موفقیت زنان در حوزه‌های انتخاباتی مجلس پرداخته باشد انجام نشده است، اما بر اساس یافته‌های تحقیق حاضر و آمارها و اسناد موجود در زمینه انتخابات مجلس در ایران، گفتنی است که گوناگونی و تنوع در مناطق در موفقیت زنان کاندیدا هیچ تأثیری نداشته است. همچنین نواحی تک‌قومیتی نیز تأثیری در موفقیت زنان نداشته‌اند. به عبارت دیگر، پراکندگی نمایندگی زنان در میان تمامی نژادها و قومیت‌های ایران در چهار گوشه کشور مؤید این ادعا است.

۴.۶ عوامل اقتصادی و اجتماعی

به نظر می‌رسد که عوامل اجتماعی - اقتصادی متعددی در موفقیت زنان تأثیر گذارند. زنان در مجلس به انتخاب شدن در مناطقی که رفاه نسبی بالاتری دارند علاقه‌مندند و هم‌چنین شانسشان در این مناطق بیش تر است. استدلالی که برای این موضوع آورده می‌شود این است که درآمدهای پایین مشاغل قانون‌گذاری را برای مردان جذاب تر می‌کند؛ به این دلیل که سیاست‌گزینه‌ای مردانه است. در حقیقت، در مناطق کم‌تر توسعه‌یافته، شانس مردان برای موفقیت بیش تر است؛ زیرا فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه، سیاست و به‌ویژه نهاد مجلس را مقوله‌ای مردانه می‌داند و، به باور رأی‌دهندگان، مردان برای در اختیار گرفتن بودجه برای حوزه انتخابیه خود قدرت چانه‌زنی بیش‌تری دارند و به همین دلیل در این مناطق به مردان اعتماد بیش‌تری می‌شود.

از نظر فرهنگی نیز باید گفت که کاندیداهای زن مجلس به انتخاب شدن در مناطقی که سطح آموزشی بالاتری دارند تمایل دارند. انسان‌هایی که سطح سواد بالاتری دارند احتمال بیش‌تری دارد که از دیدگاه‌های تساوی افراد حمایت کنند و نیز احتمال کم‌تری دارد که از دیدگاه‌های سنتی در خصوص نقش‌های جنسیتی پیروی کنند. هم‌چنین، احتمال بیش‌تری دارد که زنان با سطح سواد بالا برای شرکت در انتخابات کاندید شوند و در نتیجه مناطق با سطح آموزش بالا شرایط مناسب‌تری برای حضور زنان فراهم می‌کنند. با نگاهی به نمایندگی زنان در ادوار گوناگون مجلس، مشاهده می‌شود که شانس آنان در شهرهای بزرگ و مراکز استان‌ها به دلایل توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بالا بوده است.

از طرف دیگر، فرهنگ مردسالاری با تقسیم کار و محول کردن امور خانه به زنان عملاً به‌نوعی شرایط سلب فرصت مشارکت برابر زنان را فراهم آورده و رفته‌رفته به نهادی ذهنی تبدیل شده است که، مطابق آن، الگوهای رفتاری متناسب با همان ارزش‌ها را به زنان ارائه می‌دهد؛ منزوی کردن زنان در خانه به منظور خدمت‌گزاری به شوهر، فرزند یا جمع خانواده نمونه‌ای از آن است که آسیب‌های دیگری را با خود می‌پروراند و گویی نوعی «ساخت اجتماعی مؤنث ابدی» را به طرزی مداوم، مقاوم‌تر و پایاتر می‌کند (فریدمن، ۱۳۸۱: ۲۶). نمایندگی مجلس در ایران عمدتاً هویتی مذکر دارد و گویی مردان را از نوعی «رانت موقعیت» برخوردار کرده، آنان را در حد بالای ساختار سیاسی قرار داده است (رئیس دانا، ۱۳۸۳: ۲۴). همه عواملی که در بالا به آن‌ها اشاره شده، اعم از سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی بالا، سطح سواد بالا، بالا بودن مطالبات اجتماعی و فرهنگی مردم در مقایسه با مطالبات اقتصادی

و نگاه مردسالار کم‌تر در شهرهای بزرگ ایران، به‌ویژه در مراکز استان‌ها نمود بیش‌تری دارند و در نتیجه شانس زنان برای موفقیت در انتخابات مجلس در این‌گونه مناطق و حوزه‌های انتخابیه بیش‌تر است.

بالینگتن (۲۰۰۵) اصلی‌ترین موانع برای حضور مؤثر زنان در عرصه تصمیم‌سازی را موارد زیر می‌داند: حمایت نکردن احزاب سیاسی از زنان، فقدان هم‌کاری و هم‌دلی مؤثر و فعالیت‌های شبکه‌ای در میان زنان حاضر در مجلس و جامعه مدنی، غلبه هنجارهای اجتماعی و ساختارهای مرد - محور و ندادن فضا به زنان برای فعالیت مناسب، حمایت نکردن رسانه‌ها و نهادهای دیگر از زنان، فقدان آموزش مناسب زنان برای تربیت ایشان در راستای رهبری در جامعه، کارآمد نبودن سیستم‌های انتخاباتی، فقدان سیاست سهمیه‌بندی برای حمایت زنان در بسیاری از کشورها (بالینگتن و دیگران، ۲۰۰۵: ۲۲۵). در آخرین تلاشی که جامعه زنان ایران برای حضور پررنگ‌تر در انتخابات مجلس صورت داده است به مسئله تسهیم نامتناسب انتخابات اشاره و به لزوم تسهیم مجدد در کرسی‌های انتخاباتی توجه کرده است. این تلاش به صورت طرح به مجلس شورای اسلامی ارسال شد، اما موفقیت چندانی به دست نیاورد (سایت اینترنتی جامعه زینب، ۱۳۹۰). در این طرح، که به دلایل افزایش زنان در مجلس پرداخته بود، در ماده‌واحد الحاقی به قانون انتخابات خواسته شده بود که:

از شهرها و مراکز استانی با بیش از ۲ نماینده در مجلس شورای اسلامی ۱ زن، شهرهایی که تعداد نمایندگانشان به ۵ و یا بیش‌تر می‌رسد ۲ نماینده زن و از شهر تهران ۱۰ زن به مجلس شورای اسلامی راه یابند (بهروزی، ۴ دی ۱۳۹۰).

۷. نتیجه‌گیری

حیات سیاسی - اجتماعی هر جامعه مرهون مشارکت فعال همه اعضای جامعه است و توسعه اجتماعی منوط به بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل همه نیروهای انسانی، اعم از زن و مرد، و مشارکت آگاهانه و متعهدانه آنان در صحنه‌های اجتماعی است؛ اما همین نقش‌آفرینی و مشارکت به نگرش اعضای جامعه به هویت و جای‌گاه زن، پذیرش اجتماعی آنان برای ایفای نقش، خودباوری آنان و فراهم بودن زمینه‌های مشارکت وابسته است. با توجه به این‌که انسان ذاتاً موجودی اجتماعی است، میل و علاقه به دخالت در سرنوشت خویش از ویژگی‌های ذاتی‌اش به شمار می‌رود. حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش یکی از نخستین دغدغه‌هایش پس از ورود به جامعه بوده که با گذشت

زمان ابعاد و پیچیدگی‌های جدیدی یافته است. انسان‌ها فارغ از ویژگی‌های نژادی، زبانی، مذهبی، جنسیتی و ... بر اساس اتکا به حقوق طبیعی و انسانی حق دخالت در امور سیاسی خود را دارند.

زنان ایرانی به کرات تجلیات سیاسی از خود بروز داده‌اند و عرق مذهبی و ملی سبب حضورشان در عرصه‌های مختلف سیاسی شده است. ویژگی‌های فردی و موقعیت اجتماعی از عوامل مهمی‌اند که در ایجاد انگیزه برای مشارکت سیاسی مؤثرند. مشارکت گروه‌های اجتماعی گوناگون، از جمله زنان، در زندگی سیاسی به منزله هدف توسعه سیاسی مستلزم تحقق لوازم و زمینه‌های مشارکت سیاسی زنان است. در حقیقت، باید مسائل و موانع موجود را حل و رفع کرد و زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مناسب را برای رشد و توسعه این مقوله فراهم کرد. هم‌چنین، ضروری است زنان نیز در این مقطع زمانی توانایی‌هایشان را باور کنند و به خود بقبولانند که می‌توانند و باید در تصمیم‌گیری‌های مربوط به جامعه و کشورشان سهیم بوده و بر روند مسائل سیاسی جامعه خویش تأثیر مثبت و مؤثر بگذارند؛ همان‌گونه که در جریان وقوع انقلاب اسلامی و در زمان دفاع مقدس حضوری چشم‌گیر و مؤثر داشتند.

فعالیت زنان در عرصه‌های سیاسی یکی از ملاک‌های توسعه سیاسی هر اجتماع تلقی می‌شود. شرکت زنان در انتخابات در نقش نامزد انتخاباتی، علاوه بر آن‌که بلوغ سیاسی این قشر را به اثبات رسانده و به توسعه سیاسی کشور منجر می‌شود، به بهبود وضعیت و موقعیت زنان در جامعه نیز منتهی خواهد شد. حضور زنان در عرصه قانون‌گذاری موجب ایجاد نگرش‌های مثبت در حوزه تدوین قوانین درباره مسائل زنان می‌شود؛ زیرا نمایندگان زن، با شناخت دقیق و لمس عینی مشکلات و خواسته‌ها و دغدغه‌های زنان، بیش از هر فرد دیگری منعکس‌کننده تمایلات و مطالبات درونی این قشرند. حضور فعال زنان در حوزه قانون‌گذاری موجب تدوین و تنسيق قوانین مدافع و حامی حقوق زنان شده و به مرتفع کردن قوانین ناکارآمد کمک خواهد کرد. بنابراین، تضمین حقوق زنان در جامعه از بدیهی‌ترین نتایج مشارکت زنان در انتخابات به شمار می‌آید.

منابع

آمار انتخاباتی دوره‌های مختلف مجلس شورای اسلامی، دفتر انتخابات - وزارت کشور.
آندره، میشل (۱۳۷۲). جنبش اجتماعی زنان، ترجمه هما زنجانی‌زاده، لیکا.

۷۲ تحلیل جغرافیایی نمایندگی زنان در انتخابات مجلس شورای اسلامی ...

پالمر، باربارا و سیمون دنیس (۱۳۸۹). شکستن سقف شیشه‌ای سیاست، ترجمه زهرا پیشگاهی فرد و محمد زهدی گهرپور، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

پورتال رسمی وزارت کشور <http://www.moi.ir/portal/Home/Default.aspx>

پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۷۹). *جغرافیای انتخابات پارلمانی در ایران*، ج ۲۴، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۶). جزوه درسی جغرافیای انتخابات.

پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۷۴). «جغرافیای انتخابات»، فصل‌نامه پژوهش‌های جغرافیایی، دانشگاه تهران، ش ۳۳. تایلور، جانستون (۱۳۸۶). *جغرافیای انتخابات*، ترجمه زهرا پیشگاهی فرد و رسول اکبری، تهران: نشر قومس.

حافظنیا، محمدرضا و مراد کاویانی (۱۳۸۳). *افتق‌های جدید در جغرافیای سیاسی*، تهران: سمت.

حافظیان، محمدحسین (۱۳۸۳). «راه کارهای افزایش مشارکت سیاسی زنان در ایران و دیگر کشورهای اسلامی»، در کتاب: نجفقلی حبیبی و محمدحسین پناهی، کوشش و گردآوری مجموعه مقالات همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی؛ تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، ۱۳۹۰، <http://isna.ir>

خلیلی، محسن (۱۳۸۶). «آسیب‌شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره پنجم، ش ۲.

راش، مایکل (۱۳۷۷). *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.

رییس دانا، فریبرز (۱۳۸۳). «مسائل و جرائم مالی - اقتصادی و سرقت»، اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، خرداد ۱۳۸۱: ج ۶، تهران: آگاه.

زندگی‌نامه نمایندگان زن در مجلس سنا و شورا (دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی) (۱۳۸۰). مرکز امور مشارکت زنان.

سایت جامعه زینب، http://zeinab.ir/index.php?option=com_content&view=article

شهبازی، محبوب (۱۳۸۰). *تقدیر مردم‌سالاری*، تهران: روزنه.

فریدمن، جین (۱۳۸۱). *فمینیسم*، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: آشیان.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۳). «نقش اجتماعی شدن سیاسی و عوامل اجتماعی‌کننده در مشارکت سیاسی زنان»، در کتاب نجفقلی حبیبی و محمدحسین پناهی، کوشش و گردآوری مجموعه مقالات همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

کولایی، الهه (۱۳۸۳). «ادوار مجلس و حقوق زنان ایرانی»، *روزنامه شرق*، ۲۱ مهر.

گزارش اجتماعی وضعیت زنان بر اساس آخرین آمار و اطلاعات موجود، معاونت طرح و برنامه مرکز امور مشارکت زنان.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، تهران: سمت.

مجلس شورای اسلامی، آبان (۱۳۷۵). *معرفی نمایندگان دوره پنجم مجلس شورای اسلامی*، چاپ بهمن.

مجلس شورای اسلامی، آذر (۱۳۷۹). *معرفی نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی*، چاپ بهمن.

مجلس شورای اسلامی، اردیبهشت (۱۳۳۸). معرفی نمایندگان دوره سوم مجلس شورای اسلامی، چاپ بهمن.
مجلس شورای اسلامی، بهار (۱۳۶۴). نگرشی به اولین دوره مجلس شورای اسلامی، چاپ افست.
مجلس شورای اسلامی، بهمن (۱۳۷۱). معرفی نمایندگان دوره چهارم مجلس شورای اسلامی، چاپ بهمن.
مجلس شورای اسلامی، مهر (۱۳۶۴). معرفی نمایندگان دومین دوره مجلس شورای اسلامی، چاپ بهمن.
مرکز آمار کشور (۱۳۹۰). سالنامه آماری.
معرفی نمایندگان مجلس شورای اسلامی از آغاز انقلاب شکوهمند اسلامی ایران تا پایان دوره پنجم
قانون گذاری، چاپ ۷۸.
ملکی، امیر (۱۳۸۴). «نگرش جوانان نسبت به مشارکت زنان در سطح برگزیدگان سیاسی»، نامه علوم
اجتماعی، ش ۲۵.

Oxford English Dictionary (۲۰۱۲). "Democracy", OED Online, Oxford University Press.
Accessed ۲۵ May ۲۰۱۲.

Ballington, Julie et al. (۲۰۰۵). *Women in Parliament beyond Numbers*, Washington: IDEA.

Hume, D. (۱۹۷۸). *A Treatise on Human Nature*, Oxford University Press.

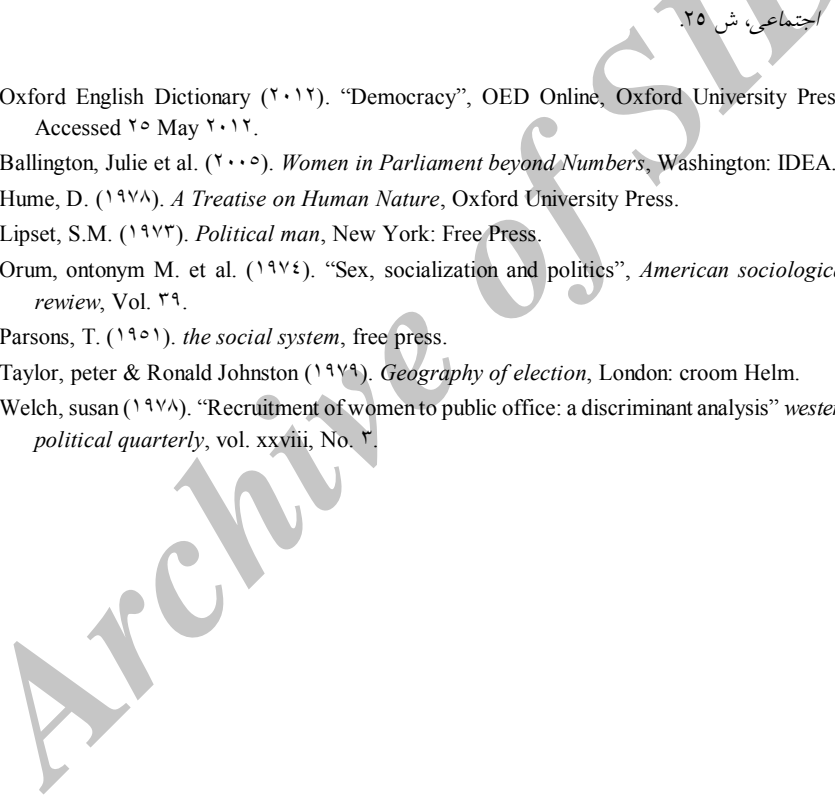
Lipset, S.M. (۱۹۷۳). *Political man*, New York: Free Press.

Orum, ontonym M. et al. (۱۹۷۴). "Sex, socialization and politics", *American sociological
review*, Vol. ۳۹.

Parsons, T. (۱۹۵۱). *the social system*, free press.

Taylor, peter & Ronald Johnston (۱۹۷۹). *Geography of election*, London: croom Helm.

Welch, susan (۱۹۷۸). "Recruitment of women to public office: a discriminant analysis" *western
political quarterly*, vol. xxviii, No. ۳.



Archive of SID